

نوشته‌های او رسید و از طرف ابو عبدالله جرجانی جواب کافی و شافی داده شد که بصورت يك كتاب درآمده و در نامه دانشوران ادعا شده که این کتاب در اصفهان موجود است و چاپ و محل خصوصی آن اطلاعی بدست نداده است .

گویند عده‌ای از معاصرین شیخ او را تکفیر کرده‌اند که قاضی نورالله شوشتری جواب داده که مکفرین شیخ تماماً سنی بوده‌اند زیرا با تهدید که سرمنشاء آن قوای فوق‌العاده سلطان محمود غزنوی بود و تطمیع امراء و علماء اهل جماعت و سنت شیخ از دامن اهل بیت طهارت دست نکشید چنانکه این شعر از مناشات حال احتضار او است.

تا باده عشق در قدح ریخته‌اند و اندر پی عشق عاشق انگیخته‌اند
با جان روان بوعلی و مهر علی چون شیر و شکر بهم درآمیخته‌اند
ایضاً :

بر صفحه چهره‌ها خط لم یزلی معکوس نوشته است نام دو علی
یک لام دو عین با دو یای معکوس از حاجب و عین انف با خط جلی
ابن خلکان از کمال الدین یونس نقل کرده که علاءالدوله شیخ را مغلطاً زندانی نمود و در حبس فوت نمود .

ولی مورخ خزرچی و قطب‌الدین لاهیجی این ادعا را تکذیب کرده‌اند.
نامه دانشوران - دهخدا - مجالس المؤمنین - روضة الصفا - و بعضی کتب دیگر.

پانزدهمین مروج
ابن عقده
برای اسم ابن عقده در کتاب نامه دانشوران تناسبی ذکر نشده
و در ماده عقد نیز در کتب لغت تناسبی برای موسوم شدن شخص

با بن عقده دیده نشده ولی در کتاب لغت اقرب الموارد در صفحه ۸۰۸ چاپ جدید العقده
الولاية علی الید تعبیر و معنی شده و از این معانی است هلك اهل العقد و رب الکعبه یعنی
بنخدای کعبه قسم که ولات و حکام هلاک شدند میتوان حدس زد که شاید یکی از پدران
احمد بن محمد حاکم و والی نقطه‌ای بوده و اولادش با بن عقده و بنی العقده یعنی فرزندان
امیر و یافزندان امیر معروف شده باشند مانند امامزاده و شاهزاده و امیرزاده و امثال
آنان که در عربی و فارسی نظائر زیاد دارد چنانکه گوئی یکی از سادات عظام که مؤلف

کتاب عمدة الطالب عربی است و فارسی آن نیز بدون نام مترجم طبع و نشر شده است با بن الرومیه معروف است بدین مناسبت که مادرش از مخدرات روم بوده و جدش حضرت عبدالعظیم حسنی حسن بن زید با میر معروف است زیرا مدتی در مدینه سمت امارت از طرف خلفای اولیه عباسی را داشته است .

واگر گفته شود پس چرا بلغت غیر ما نوس متوسل شده اند و بطور ساده ابن الامیر و ابن الحاکم نگفته اند جواب آن است که در نقاط مختلف عرب نشین لغات مختلفه بکار می رود و در کتب تاریخ و ادبیات دیده شده که در يك نقطه سلطان را شیخ و در نقطه دیگر امیر و در جای دیگر ملک میگویند .

و یا اقوام مختلف يك شخص را هر کدام به لغت خودشان بنامی خطاب مینمایند و امروز هم این رویه در کشور عربی کاملاً مجری است و حتی در صدر اسلام هم سابقه مفصلی دارد که متذکر خواهم شد .

نامه دانشوران بمناسبت جارودی معرفی شدن ابن عقده اجمالی از معتقدات فرقه جارودی زیدی را نقل کرده که بنده نگارنده چون اورا امامی و اثنی عشری میدانم بشرح آن نپرداختم و برای تیمن و تبرک اسامی کتب تألیفیه اورا که بعقیده ما از منابع قدس سرچشمه گرفته اگر چه بنام فرقه زیدیه است متذکر میشویم ولی در مر واقع شیعی است .

- ۱- کتاب روات خاصه جعفری علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ۲- کتاب روات و محدثین اعم از شیعه و سنی
- ۳- کتاب کسانیکه از حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام روایت کرده اند بنام

من روی عن علی

- ۴- کتاب من روی عن حسن و حسین علیهما السلام
- ۵- کتاب من روی عن علی بن حسین (ع)
- ۶- کتاب من روی عن الباقر (ع)
- ۷- کتاب من روی عن جعفر بن محمد (شاید این کتاب با فرازیک يك کتاب باشد)

۸- کتاب من روی عن زید بن علی (شیخ طوسی اعلی الله مقامه در تألیفات خود
باین کتاب اشاره نموده است) .

۹- کتاب الجهر به بسم الله الرحمن الرحيم

۱۰- کتاب الولاية ومن روی غدیر الخم

۱۱- کتاب فضیلت .

۱۲- کتاب من روی ان علیاً قسیم الجنة والنار

۱۳- کتاب الطائی

۱۴- کتاب حدیث الراية

۱۵- کتاب الشوری

۱۶- کتاب شهداء مع علی بن ابیطالب

۱۷- کتاب شیعه از اصحاب حدیث

۱۸- کتاب من روی عن فاطمه علیها السلام

۱۹- کتاب یحیی ابن حسین بن زید

۲۰- کتاب صلح حضرت امام حسن (ع) و معاویه

۲۱- کتاب تفسیر القرآن

بعلاوه زیدی که مثالب شیخین را قبول ندارد و عمال دولت عباسی هم ناقلین اعمال

اورا معرض میدانسته و رویه اورا رویه اهل جماعت میداشتند.

چه اگر ابن عقده شیعه اثنی عشری نبود او را با تألیف کتاب اسماء الرجال که

کلاروات و محدثین شیعه جعفری هستند و شماره آنان به چهار هزار نفر میرسد

چه کار .

و اگر فقط فقه شیعه امامیه را در کتب خود درج میکرد و یا کتابی مخصوص

در فقه اثنی عشری تألیف میکرد محملی داشت که گفته شود برای تأیید مبانی فقه زیدی

دست باین کار زده است زیرا بطوری که اشخاص خبیر و بصیر نقل نموده اند تفاوت فاحش

در ابواب فقه این دو فرقه وجود ندارد وغالباً احکام و دستورات متحد است با اینحال

همت گماردن ابن عقده بجمع آوری اسامی و معرفی روات و محدثین شیعه تحت عنوان شاگردان حضرت جعفر بن محمد الصادق علیهما السلام مخصوصاً تدوین و تنظیم مقررات مذهب شیعه بطوریکه علامه حلی پسندیده و در صورت زیدی بودن او باو ربطی نداشته دلیل قاطع به اثنی عشری بودن او است و زیدی بودن ابن عقده مانند کتبی است که ابن طاوس و سایر علماء در مثالب غاصبین حقوق اهل بیت تألیف و نامهای مؤلفین ناشناس بر آن میگذارند تا از تعرض مخالفین مصون باشند .

ابن عقده در قوه جافظه نظیر نداشته و مورخین نوشته اند از زمان ابن مسعود (معلوم نیست مقصود عبدالله بن مسعود صدر اسلام است یا دیگری - نامه دانشوران) بعد شخصی که چنین حافظه داشته باشد در کوفه دیده نشده بود و در نقل اخبار مقبول الفریقین بود و آن عده از علماء عامه که او را ثقة میدانستند عدهٔ خیلی بیش نبودند که نمیتوانستند با اهمیت مقام و تقوی و قدس و تخصص علمی ابن عقده لطمه وارد کنند و سه نفر از مورخین نامی مانند ابن کثیر و زهنی و یافعی بعبارت متقارب در بارهٔ او گفته اند .

انه كان يجلس في جامع برائنا ويحدث الناس بمثالب الشيخين ولذا تركت رواياته و الافلاکلام في صدقه و ثقته .

یعنی ابن عقده در مسجد بر آثامی نشست و مطاعن شیخین را حدیث میکرد لذا روایاتش متروک گردید و الا در صداقت و وثاقت او احدی را گفتگو نیست - و چنین مقامی را کمتر کسانی از علماء بزرگ در جامعه احراز کرده اند که موالف و مخالف او را راستگو و موثق بدانند .

وفاتش در کوفه و بنقل دانشوران ادعا شده که ششصد بارشتر کتاب در متروکات خود باقی گذارد و در سال ۳۳۳ بعالم جاویدان شتافت . رحمة الله علیه و علی ابی اوامی